

زن تاریخی (شناخت زنان از تاریخیت خود)

سیده ملکه خاتون، اولین پادشاه زن مسلمان ایرانی بعد از ورود اسلام به ایران

ترجیح مذاکره برجنگ



اولین زنی که بعداز اسلام مقارن با شیخ ابوعلی روین روی د جد را در ایران به حکومت رسید، شیرین مشهور به امالملوک، ملقب به امرستم است که به او سیده به ۱۱۱۳ معنوب ۱۱۳ و سینده ملکه خاتون می گفتند وی دختر رستم بین شروین از سهبدان خاتان یاوند در مرازدران و همسر فخرالدوله دیلمی (۲۸۷–۲۹۶ق) بود. پـسی از فوت فخرالدوله فرزند چهارساله به روایتی ۱۱ ساله وی به نام ابوطالب رستم ملقب به مجدالدوله را به سلطنت بر گزیدند. اما ر می این مغرسن وی و نیز چون سیده خاتون در زمان حیات همسرش، از طرف او نیابت سلطنت را برعهده داشت پس به کمک دو تن از وزرای مشاور خود، بر قلمروشوهر فرمانروایی یافت.اوولایتعهدی وحکومت همدان را به برادر کوچکتر مجدالدوله به نام ابوطالب و دادملقب به شمس الدوله سير دو حكومت اصفهان را به پسر ديگرش ابوشجاع عين الدوله داد و یسردایی خود را به سرپر ســتی او گماشت. در دوران مرصی عرب سرپر یده ملکه خاتون دربار محل تجمع دانشمندان ادباو فلاسفه بودبه روايتي شيخ ابوعلى سينانيز مدتي رادر

به صحنه و رحیت به سال داشت، باعث مجدالدوله که در این زمان ۲۸سـال داشت، باعث ناراحتی مادر از خود شد و در این زمـان بود که به روایتی سـیده خاتون بـه قلعه طبـر ک در نزدیکی ری گرفت و طبق روایت هـای دیگر مجدالدوله مادر را دستگیر و در قلعه طبر کزندانی کرد.

چندی نگذشت که به علی بری چندی نگذشت که به علی بری کفایتی فرزند، اوضاع امور آشفته شد. پسس از مدتی شاه بانوی دلیر و باشهامت از زندان گریخت و پنهانی با کمند یرر. از قلعه فرود آمدو پیاده عازم کردســــتان شدو به نزد. بدر بن حنویسه که با فخرالدوله دوستی داشت رفت. . برس سیاهی فراهم آوردو بااو روی به ری نهاد. در میانه راه، در همدان، شسمسالدوله نیز به مادر پیوست. در در گیری میان مجدالدوله ومادر، سیاه مادر پیروز شدو ىتگىروزندانىشد.بەنقلابناثىر،س شمس الدوله را به شاهی نشاند و خود اختیار امور را در دست گرفت واز ترس آن که بدر حنویسه باحضور در ری دچار خیالات نادرست نشود، با سیاستمداری . خاصی وی را با هدایای فراوان روانه کردستان کرد.

پس از گذشت یک سال سیده خاتون شمس الدوله را پ کی به جهنت قدر تطلبی هایش مجدداً به همدان فرستاد و در عوض از مجدالدوله خواست که نزد او به ربی بیاید. در ســال ۴۰۵.ق شــمس الدوله به کمــک بدر برای نصُرف رى آمد و مجدالدوله و سُـيده خاتون رهُسُپار

اماً لشكريان بروى شوريدندوبه ناچار شمس الدوله مجددابەھمەسبر سستىر ہى باشورشابنفولاددىلمى كەبە تحريكىمنوچھر پسر تىنىنى جىرات . قابوس زیاری که از ســوی محمــود غزنوی ح می شد، بار دیگر مواجه شد. سیده که همواره مذاکره را بر جنگ ترجیح می داد با وی مصالحه کرد. در این اوضاع، سلطان محمود غزنوی درصدد برآمدری و وًا حى مجاور آن را به قلمرو خُود ضُميمه سُاختَه و برُ تُنجهای باارزش دیالمه دست یابد. سلطان محمود با نامهای که به سیده خاتون نوشت به او پیام داد که «باید خطبه وسکه به نام من کنی و خراج فرستی والاجنگ را آماده باشی یا اماسیده خاتون به سلطان چنین

: آب آتُش ، انگیزم، از دودمنع كفلكاهشيران در أرمبهداغ زپیهنهنگانفروزمچراغ ز ربہ ہے ۔ ان ۱۳۸۶ رب منه خار تادر نیفتی به خار رهانیده شو تاشوی رستگار تو آن که بر من شوی دستیاب من اربر توچرېم به هنگام کين مرار ر پر را ۱۱۰۰ ومقایماندازرویزمین دراین هم نبردی، چوروباه و گرگ نوسر کوچک آیی ومن سربزرگ ــخ ســيدهخاتُون سببُ شُ

THE PARTY OF THE P

حیاتش از لشکر کشی به ری صرف نظر کند. سیده ملکه خاتون در آداب ملک داری بسیار کوشا و توانا بود چنانکه سرزمین های بسیاری را آباد کردو

چەمادە،چەنر،شيروقتنبرد چونبرجوشمازخشمچون تندتيغ كشورهاراشايه تاریخ،نشر کیانا، تهران ۱۳۸۲.

ا کرجبی، محمد حسن، مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گویی، تهران ۱۳۷۴. پارسی گویی، تهران ۱۳۷۴. ۳-قویمی، فخری، کارنامه زنان مشهور ایران، أموزش وپرورش، تهران ۱۳۵۲. ۱-کریمان، حس مهیدبهشتی،تهران ۱۳۵۱. شهیدبهشتی

امبر کیبر ،حاب دهم، تهران ۱۳۷۵.

هفتهای پنج روز در شیهر ی بارعام می داد. به وضع لشــکریانش توجه خاص داشــت و با وزرای کاردان بیواسطه سخن میگفت و پاسخ قاصدان در سراسر

ا را شایســـته ادا می کرد. ســیده خاتون پُسُ ــال زندگـــی افتخار آمیــز در ۴۱۹.ق در ری ر در گذشت. بقُعه وی در نزدیکی بقعه امامزاده علی در شرق تهران قرار داردوز يار تگاهمردم است.

ری سین، ری باسستان ج ۲، دانشگاه

رس مد، فرهنگ فارســی، ذیل مدخل،

دیگران

وقتی آموزگاران به دانش آموزان به چشم موجوداتی اندیشهورز و اجتماعی بنگرند (بخش پایانی)

هدف از بهسازی آموزشی

﴾ ترجمه یک فصل از کتاب «آموزش و پرورش دولتی در محاصره»

مایکل کتز ومایک رُس برگردان: مهدی بهلولی



ترچیقی عدمی مستخدی به دیگری می گفت. گزینش هر حرفهای کارگر همی افتند، بیشتر کسانی که به پیشمه آموزش رومی آورند تا آندازهای از انگیزههای نوعدوستانه برخور دارند. آنها کاربایچه هار ادوست دارند دائش، یا ادبیات یا تاریخ را دوست دارند و می خواهند تا ن شناخت و علاقه هم در وجود بجه ها جرقه بزند. آنها ت برابری ها را می بینند و میخواهند در زندگی جوانان دگر گونی پدید آورند. این گونه از توسیعه مهارتهای حرفُهای که ما داریم توصیف می کنیم، نــزد این افراد خوشایندو انگیزمبخش خواهد بود، جان تازهای به آنها ى دهدوبه عنوان پيشرفت هاى حرفهاى شخص بيشت نی در در به سوری پیدار مصادی که این گونه پربار شده باشد، مدل رشد انسانی بهسازی مدر سه را جایگزین بهسازی فن ســالارانه آزمون-بنیاد کنونی خواهد کرد وَ أَنَ جَا كَه چنينُ رِشُـدُ حَرِفُهاَى بِهِشُـ و دری آموز گاران یاد می دهند و بر چگونگی کار آنان کارگر خواهد افتاد، اثر سرراست تری بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان خواهد گذاشت. پرسشُ بنیادین این است که آیا یک بهسازی خاص

مدنى خواهد بود يا بهسازى بايد بر چيزهايي تمركز کند که در کلاس استفانیه تــری رُخ داد البته بخشُ خرچنگ گوشهنشــین، از کار چنــدروزه یک کلاس رس ہیرون کشسیدہ شدولتی سا در این جا برخی درس ہیرون کشسیدہ شدولتی سا در این جا برخی ویژگی هایی را معرفی می کنیم که شما در مدرسه های -خُوب شهری یا روستایی، دارا یا ندار خواهید یافت. این ویژگیها را فهرسّت خواهیم کرد تا هنگامی که آنهارا میخوانیدازخودتان بپرسید، بهسازیهای کنونی تاچه درجه ٔ از ارزشیابی های آموز گاران تا تبدیل مدرسه های درجه ٔ از ارزشیابی های آموز گاران تا تبدیل مدرسه های با عملکرد ضعیف به مدرسه های منشوری دست یافتن به آنها را پیش خواهندانداخت یا از تحقق آنها جلوگیری

ىىكنند كلاسھاى شايستە، حسى از امنيت پديد مى آورند. در آنها آیمنی فیزیکی وجود دارد که بسرای برخیُ از کودکان موضوعی جدی است. اما همچنین ایمنی از توهین و تحقیر هم هست.افزون بر این ایمنی بسک و میں و تسیر می است. کردن، رفتن فراسوی آنچه شما هم کنون می توانید به آسودگی انجام دهیدهم از این دسته است.

مساله امنيت با موضوع احترام همبسته است. اين واژه، چیزهای زیادی را دربر می گیرد و در سطوح گوناگونی عمل می کند: رفتار مودبانه، آراستگی، نبود رس و دلهــره و آن ســوی قلمرو کنشهــای فردی: گرامیداشت زبان و فرهنگ مردمی که در کلاس درس ماینده دارند احتــرام همچنین بعدی فکــری دارد. آن گونه که مدیر مدرسهای در نیویورک یادآور شد: ری و و تا تا تا در سرگرد. «حترام، تنهاخوش رفتار بودن نیست. برنامه در سی هم باید آن را در خود بگنجاند. گرچه به اندازه کافی دشوار

نامەدرسى آمىختە بااحترام شود.» گفتوگـو دربــاره ایمنــی و احتــرام، بــه توجه به فرصتهای دانش آموزی برای شرکت در کارهای فکری می انجامد، به اندیشیدن سیستماتیک، ساخت دانش

مى كنند، به بحث ها جهت مى دهند و تجربه خودشان و کاری که انجیام می دهند. ااداره می کنند اندیشیه دانش آموزان تری استفانیه، گرد مشاه ثبت آنچەمى بىنند، ساختن گمانەھاو گزارش ھمگانى انديشه هايشان مى چرخد - از ایسن رو کلاس درس شایســته، مــکان توقعهــا،

پاسَخگوییها و مسئولیتهاست. آموزگاران به دانش آموزان به چشم موجوداتی اندیشهورز واجتماعی مے نگرند حوانان باید حدی کار کنند، ب می درد...بودن به بادی در مستند به کنار آیند-بیندیشند، با یکدیگر همکاری کنندو با هم کنار آیند-زمانهایی هـم خواهد بود که دانش آمــوزان با چنین کرهایی به محدودیت هایشان پی می برند مدیر مدرسه دیگری از نیویورک می گفت: «دانش آموزان با ناباوری به ما مى نگرند، هنگامى كه بــه آنها مى گويىم، افرادى اندیشهورزند»

چنین پنداشتی درباره دانش آموزان، از طریق

. تحقــُق مییابند: از روشــی کــه آمــوز گاران برناُمه درسیشــان را ســامان میدهنــد و پرســشها را شفاهی و نوشــتاری)، روشهای گوناگونی که بجهها را به پشتیبانی و کمک به همسنوسالان تشویق می کنند و محیطی که در کلاس درس پدید می آورند که مارا به یاد ملاحظههای ایمنی و احترام میاندازند ویر نی های نقیه سده دستبهدست هم می دهند تا فضای همگانی سرزندهای پدیداً آید.ساموئل هریسون اسمیت، روزنامهنگار سده هجدهم در جستاری مهم درباره آموزش وپرورش نوشت که نقش اطلاعات برای یک دموکراسی بنیادین است و رشد فکری فردی، سخت بارشدفکری در مقیاس گسترده و با «گسترش همگانی دانش» در سراسر جمهوری همبسته است. زمانی که نوآوریهای بهسازیهای آموزشی را وارسی می کنیم، باید همچنین این پرسش تعریفی قدیمی را بپرسیم: در یک دموکراسی هدف آموزش وپرورش چیست؟ پیدایش امنیت فکری وفضای احترام، توزیع اختیار و پاسخگویی، حفظ توقع بالاو ابزار دستیابی ينها-هُمه اينها از بنيـاد دمو كراتيك اندو زمينا یک زندگی مدنی ُرا فراهم میُسُازند. دانشُ اُموزان به چشم افرادی توانا و مشار کتجو نگریسته می شوند، غنی، هـم در پتانسـیل فـردی و هم در پتانسـیل

مجموعهای از پشتیبانیها، رهنمونها و ساختارها

هاین متنی برگر دان یک فصل از کتباب «آمو پرورش دولتی در محاصره» (Public Education پرورش دولتی در محاصره» (Under Siege) است کـه در سـال ۲۰۱۳ در مریکا منتشر شد. کتاب مجموعه ای از ۲۳ جستار از ئل کنز و مایک دگان گُوناگون به گردآوری مایک رًس است. مایکل کتز، استاد تاریخ در دانشگاه پنسیلوانیا مآیک رُس، استادُ دانشکده ر ... ر ص آموزشوپرورشوپژوهشاطلاعاتاست.

اجتماعی. تحقق این نگاه به دانش آموز چیزی است که سرانجام باید بهسـازی آموزشی در ایالات متحده

رابه پیشبراند.

تقسیمبندی روشنفکری به شاخههای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... هستید؟ .. نه به صـورت قاطـع ولی ایــن وجهبندی و تقسیم بندی درخصوص پدیده های جامعه شناسی، مورد توجه اکشر جامعه شناسان هست و آن را رعایت می کنند،

در انتدا بفرما بید آیا شیما قابل به

ولی اشتداد آن مورد بحثُ است و به همین دلیل هم شاید نتوانیم به آن صورت جدی بگوییــم روشــنفکری اقتصادی، سیاســی، اجتماعی و ... داریم. شاید خیلی مورد پذیرش نباشد و این بحث در حوزه ایدئولوژی شناسی و تفکرشناسی مورد استناد نیست و نمی تواند چه در جامعهشناسی شناخت و چه در جامعه شناسی سیاسی به عمل آید اما این واقعیت دارد که روشنفکری کلی که در جامعه وجـود دارد، به دلایـل اجتماعی، سیاسسی، اقتصادی و فرهنگی شسکل گرفته ، و ایسن مسوارد وقُتسی وارد بخشهای جای گیــری در این مقولات اســت که باعث . میشود عنوان روشنفکری کمی خاص شود. برای مثال یک روشنفکر فرهنگی کسی است كه بيشتر با مسائل فرهنگي برخورد دارد. چه در حـوزه دینی مانند دکتر شـریعتی و آقای

رعایت می کند، وقتی وارد حوزه اقتصاد هم

مُیُشودٌ، ُشکل دیگری بــه خــود می گیرد یــا در

حوزه مسائل اجتماعی-

سیاسی هم به همین منوال اما ایس فرمبندی

اصولی و ماهوی نیست و روشنفکری، روشنفکری است. او باید انتقادی فکر

کند، ریشــههای مســائلُ

اما ضعف روشنفکری احتماعی، ضعفی

. نمی توان مناسبات سیاسی را اُز جامعه جداً فرض کرد، اما با این ضعف چه باید کرد؟

مطهری و چه در حوزههای دیگر. به همین دلیل وقتی یک روشنفکر، روشنفکری میکند و درواقع مولفههای روشنگری را باید و باید که نگاه روشنی ... رر ... نسبت به مسائل اجتماعی پیدا کنند و این امر در وهله نودهمر دماز قشر روشنفكر نخست كار حامعه ر جداماندهاستواینامرهم تازگیندارد.ایندوطبقه ر . ت. اگر این راست اس كـه مناسـبات اجتماعي شدن از زمان هخامنشیان بــــ .جنه در علـــم جامعهشناس ودهوهمینطورهمادامه پیدا کردهاست.قشرروشنفکر مشخص تراز هر علم دیگــری عیان میشـ

> گوناگــُون را دریابــد و بــه مردم نشــان دهــد، بتواند متقــن و علمی کار کند. با خرافات و اندیشـ ضدعقلاتی مبارزه کند و ... ایس امر باید در میان تمام روشنفکران یکسان باشد هرچند میشود که حوزههای عملکردشان گوناگون شيد. نمونه واُسُح اين امر هم بحث مقولات و اعتبارات علامه طباطبايي است. ايشان وقتی ایس بحث را مطرح می کنسد، اعتبارات را امری کلی می داند که بحث فرهنگی است و چون پهنههای فرهنگی گوناگون نیز در ر پررې جهان وجود دارد، افراد مختلف ممکن است چیزهایی را معتبر بدانند کــه دیگران معتبر نمی دانند ایس را اگر به یک اقتصاددان بگوییم قبول نخواهد کرد و می گوید

> > ر۔ ایس پرسس به ایس دلیل مطرح ایس پرسسی به ایس دلیس معرج میشود که برخی این ادعار ادارند که روشنفکران ایرانی برخلاف همتایان غربی خبود، پییش از آن که نگاهی اجتماعی داشته باشند، روشنفکرانی سیاسی محسوب می شوند. شما با این امر موافقید؟

مناسبات اقتصادی در همه جای دنیا یک

عمومیت داد. در سخنان پیشیم بر این نکته تأکید داشیتم که در ایران ما شاهد ۲۵۰۰سال حاکمیت حکومتهای خودکامه بودهایم و این امر ادامه داشته است و درنهایت باعث شده تا اکثر گرایشات در ایران در حوزه ادبیات، شعر، فلسخه و ... خواه ناخواه با نگاهی سیاسی وارد عمل شوند. فلاسفه و شعرای مانیز هر گاه نگاهی انتقادی دارند، علیه جابریت موجود اســت و در نتیجه در جُامعهای که این جابریت نباشد، نگاه سیاسی به همه چیز هم کمتر است.

بـه آیـن تر تیـب حرکـت روشـنفکر اجتماعــی مــا نیــز از وادی سیاسـت مي گذرد ...

دقیقاً. به خصوص پس از دوران مشروطیت در القبالة بخصوص پس از دوران سروصید که می خواستیم دنانی جدیدی را تجربید در الاجهد کنیم و از فضای گذشته به صورت کلی خارج سویم، بالخدمای زندگی به صورت کلی به سعت سیاسی شدن گرایی بها کرد، این اس هم در روشندگران چپ بها کند، این اس حزب توده و هم در راست و متکران دینی به سعت تفکر سیاسی گرایش پیدا کرد و به ندرت ما امثال شریعتی و مطهری را می بینیم

که در کنار نگاه سیاسی خود، جنبه فرهنگی هم بیدا کردهاند. درحقیقت مشکل همینجاست. سبقه نگاه سیاسی روشنفکران، عنصر

هر یکشنبه با منوچهر آشتیانی

بحثى پيرامون شكل گيرى روشنفكرى والزامات آن (٣)

روشنفكراناجتماعي، روشنفكرانمغفول

طرح نو – فروغ فکسری|روشسنفکری را نمی توان و نبایسد در جمع های چند نفری جسست. آن جا ئەروشىنفكر امكان بروز يافتە، آن جايى است كەائر گىذار بودە و ھمين نقطــە ھى نقطە مركزى در وسند خدا منان بروز بانکند آن جایی است ادار شده بوده و همین نقطت هم معده بر تری رود شدیکی و بختمایی سند اما فراغ (دست بندی ها با اما اما اما فراغ از اس کامی اول روزشت شکری اند به نامهای گوناگون شدناخ با طبیر با بادار تأسات روشت گراند و حوز باجتماعی استقبال گردی آن چاک به در دیمه و آثاوی مناسبات اجتماعی می اشتید و دخشت اش را معطوب بد در استی جامعه ایرانی بدا آن بیگانه است. در ادامه میاحثت با هنوچهدر آشتیانی «دریاد»

. روشــنفکری، این هفتــه را به بحث روشــنفکری اجتماعی اختصــاص داده ایم کــه در پی می آید

قالب شده و از طرفی در حال حاضر نیز ماشاهد حضور این نگاه و عدم حضور روشنفکران اُجتماعی و فرهنگی هستیم. این مشکل را باید صرفا در جریان روشنفکری جست؟

ر. کل مناسبات است که اثر گذار است. وانستیم انتقادگرایی را آنطور که باید ها تتوانستيم المحاد وريي را تان امر محصول در اين مملكت حاكم كنيم. اين امر محصول اصلـي انقلابهاي بزرگ اسـت. اما به اين جا وارد نشد. من زمانی سال ها پیش بر این امر تأکید کردم، اما بسیاری بر آن حرف شوریدند و این موارد را جزو معایب بشریت برشمردند. و این موارد را جزو معایب بشریت بر شمر دند. آنچه من عـدم وجـودش را بر شـمردم، به دلیل ضعـف فردی و حاکمیتی نیست بلکه مشکلی اساسی و ریشهای است. وقتی جلوی انتقادگرایی بـه معنای عمیــق کلمه گرفته میشـود، برای کسب منافع شـخصی، افراد انواع برخُورِ دُهای ناشایست را انجام میدهند

است که خصوصا در جامعـه کنونی ایران بسیار قابل مشاهده است. هرچند نباید و

اجتماعي بايد براي مردم روشن شوند، مردم

وفُرهنگیهههمُوُارهموردُ هجمهواقعشدهاست پس بنابرايــن همين علم و دست اندر کارانش باید برای روشنگری وارد

عمل شـوند. از زمان دكتر ين صديقي يعني ٤٥سُــال پيش این همه تحولات عظیم در جامعه ما رخ داده یں است. اما جامعه شناسان ساکت بودهاند. اگر ایس اتفاقات در اروپا افتاده بود ما با چنان موضع گیری ها، مقالات، بایان نامه های علم و ... مواجه میشدیم که تحولی عظیم را شکل استاریا میداد اما حتی به شکل جدی شاهد تعداد اندک آن هم در ایران نبودیه. درنتیجه این خاموشی در جامعهشناسی ادامه یافت. شاید عدمُ وجود جُراَت است یا وجود ملاحظاتی که این اجازه را سلب کرده اما درنتیجه ما همواره شاهد واکنش خاصی نبوده ایم و درنتیجه بسیاری از حرفها به صورت خصوصی و در جلساتی نهانی برگزار می شـود و این با رسم

بستای بهای بر طرار میسود و بین به رسم اصیل روشنفکری مغایر است. شکاف میان روشنفکران و مردم، شکاف عمیقی است. اما این شکاف وقتی که روشنفکر در کسوت روشنفکر اجتماعی وارد می شُـود، بیسُتر است. تا جایی که برای مثال سخنان دکتر یوسف اباذری که به انتقاد اجتماعی از عملکرد . عــدهای از مردم دست می زنــد، تحمل نمی شــود و از ســویی مقابله هــم با آن صورت می گیــرد. این شــکاف را چگونه

نوده مردم از قشــر روشـ است و این امر هم تازگی ندارد. این دو طبقه شدن از زمان هخامنشیان بوده و همین طور هم ادامه پیدا کرده است. قشر روشنفکر و نم است. فرهنگی هــم همواره مورد هجمه واقع شــده اســت. بهخصوص آن دســته که حرفی برای گفتن دارند، نقد می کنند و مناسبات زندگی اجتماعی دغدغه آنهاست. چرایی این امر هم نیازمند تفحص گسترده است. این شکاف در بسیاری از کشورهای دیگر هم وجود دارد. مردم چیزی می گویند و جامعه شناس و به تعبیری روشنفکر چیز دیگر و همین تفاوت هم باعث می شود نتوانند یکدیگر را تحمل کنند. این تاحدی به بیگانگی دانش جامعه شناسیی یں بتوان این امـر را نهادینه کرد و مردم سـخن روشـنفکر اجتماعی را بپذیرنـدو به آن توجه کُنُند، خود امری استُ بس دُشوار ُ چرا که اُین شکاف، شکافی تاریخی است.